

# ساختار سیاستهای حمایتی

## قبل از سال ۱۳۷۰

عباس رحیمی

### مقدمه

قسمت سعی می‌کنیم ساختار سیاستهای حمایتی در بعد از انقلاب اسلامی را در سه دوره مورد بررسی قرار دهیم:

دوره اول، ساختار حمایت، بعد از انقلاب اسلامی تا قبل از سال ۱۳۷۰.

دوره دوم، ساختار حمایت، در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ که می‌توان آن را دوره اصلاح (رفرم) تجاری در ایران نامید.

دوره سوم، ساختار حمایت از نیمه دوم سال ۱۳۷۲.

علت انتخاب این سه دوره، جهت بررسی وجود تغییر اصلاحات در نظام اقتصادی کشور طی این دوره هاست. تا قبل از سال ۱۳۷۰ نظام اقتصادی و بازرگانی کشور با اجرای سیاستهای محدودسازی

امروزه در اغلب کشورهای جهان سیاستهای بازرگانی در راستا و هماهنگ با استراتژی توسعه اقتصادی و در جهت تحقق اهداف اقتصادی هستند. گرچه سیاستهای بازرگانی به تنهایی نمی‌توانند توسعه صنعتی را برای کشور به ارمغان آورند، لکن درکنار تجهیز بازارهای کار و سرمایه، تقویت بنیانهای مدیریت فنی، جذب تکنولوژی و ... اتخاذ صحیح سیاستهای بازرگانی نقش مهمی در توسعه صنعتی کشورها دارند.

مجموعه سیاستهای حمایتی در مرحله نخستین توسعه صنعتی، بویژه در استراتژی جایگزینی واردات، به طور گسترده ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این

تجاری - از طریق نظام تخصیص ارز و موانع متعدد تعرفه ای و غیر تعرفه ای برای واردات - ادامه روند سیاستهای حمایت گرای گذشته بود، گرچه بعد از سال ۱۳۶۸ با تشکیل دولت آقای هاشمی رفسنجانی - ریاست جمهور محترم ایران - از شدت سیاستهای حمایت گرای کاسته شد، لکن نقطه عطف سیاستهای تعدیل اقتصادی دولت، در زمینه تجاری و بازرگانی، در سال ۱۳۷۰ شکل گرفت، به همین دلیل این سال را بنا به اعتقاد کارشناسان داخلی و بین المللی، می توان سال اصلاح تجاری و به عبارتی سال آزادسازی تجاری در ایران نامید. اما ادامه این سیاست با توجه به عوامل مختلف سیاسی و اقتصادی، در سال ۱۳۷۲ امکان پذیر نبود؛ بنابراین در نیمه دوم سال ۱۳۷۲ قانون مقررات صادرات و واردات با اصلاحات کلی در جدول سود بازرگانی و حقوق گمرکی، از سوی دولت پیشنهاد گردید، بنا به تصویب مجلس شورای اسلامی، مقرر گردید تا طراحی و تصویب قانون جدید، از نیمه دوم سال ۱۳۷۲ تا پایان سال ۱۳۷۳ این پیشنهاد دولت، مبنای نظام اجرایی بازرگانی و مقررات صادرات و واردات در کشور باشد.

## ساختار سیاستهای حمایتی تا قبل از سال ۱۳۷۰

برای بررسی ساختار سیاستهای حمایتی، می باید به سه عامل: تخصیص ارز، نظام تعرفه ای و محدودیتهای غیر تعرفه ای اشاره کرد. این سه عامل، زیربنای اصلی ساختار حمایت در هر نظام بازرگانی هستند.

**سیاستهای محدودسازی تجاری - از طریق نظام تخصیص ارز و موانع متعدد تعرفه ای و غیر تعرفه ای برای واردات - ادامه روند سیاستهای حمایت گرای گذشته بود،**

### الف - شیوه تخصیص ارز

در هر اقتصادی، بخش صادرات کشور تأمین کننده و عرضه کننده ارز برای کشور است، هرگاه این بخش بنا به هر عللی، نتواند جوابگوی تقاضای ارز برای واردات باشد، در نتیجه افزایش تقاضای ارز، نرخ برابری افزایش می یابد. در ایران قسمت عمده صادرات را نفت خام تشکیل می دهد. به همین دلیل نوسان در قیمت جهانی نفت، درآمدهای صادراتی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. هرگاه سیاستگذاران اقتصادی، تمایل به حفظ و ثبات نرخ برابری داشته باشند، با کاهش درآمدهای ارزی، مجبور به کنترل و تخصیص ارز به مصارف گوناگون، با اولویتهای متفاوت می گردند؛ زیرا در قیمت رسمی، تقاضا برای ارز، بسیار بیشتر از عرضه آن می باشد.

**هرگاه سیاستگذاران اقتصادی، تمایل به حفظ و ثبات نرخ برابری داشته باشند، با کاهش درآمدهای ارزی، مجبور به کنترل و تخصیص ارز به مصارف گوناگون، با اولویتهای متفاوت می گردند.**

در اقتصاد ایران از اوائل دهه ۱۳۳۰ همزمان با نهضت ملی شدن نفت نرخ برابری ریال و دلار آمریکا حدود ۷۰ ریال تعیین شد. این نرخ برابری به عنوان نرخ رسمی ارز تا نیمه دوم سال ۱۳۷۲ در کشور همچنان باقی ماند. اما تا سال ۱۳۵۶ به دلیل بالا بودن عایدات ارزی دولت نیاز به کنترل ارزی نبود، زیرا در نرخ رسمی، امکان پاسخگویی به کلیه تقاضاهای وارداتی بود. لکن بعد از انقلاب اسلامی، بویژه با شروع جنگ تحمیلی و کاهش ذخایر ارزی، درآمدهای ارزی دولت نمی توانست تکافوی تمامی تقاضاهای وارداتی بخش عمومی و خصوصی را بدهد، به همین دلیل دولت ناگزیر گردید، برای تخصیص ارز محدودیت قائل شود و سهمیه بندی ارزی نماید. (چون سهمیه بندی ارزی به معنی نوعی تصمیم اداری برای عرضه ارز به اشخاص یا واحدهای مورد توجه تصمیم گیرندگان، به شمار می آید؛ این نکته که چه کسی باید این تصمیم گیری را به عمل آورد بسیار مهم تلقی می شد. و به همین دلیل ابتدا سهمیه بندی ارزی در بانک مرکزی و بعدها با مشارکت وزارت بازرگانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنایع و غیره انجام می گرفت. در سال ۱۳۶۲ این روش تخصیص مورد سؤال مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و بالاخره در سال ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی قانونی را به تصویب رساند، که به موجب آن دولت را مکلف نمود که همراه با بودجه ریالی سالانه، بودجه ارزی دستگاهها را نیز تهیه و برای تصویب تقدیم نماید، به طوری که پس از ۱۳۶۴ همه ساله دولت علاوه بر بودجه ریالی، یک بودجه ارزی نیز برای دستگاهها تهیه و به تصویب مجلس

می رساند<sup>۱</sup>). بودجه ارزی گرچه از دیدگاه مسئولان پولی کشور، دارای اشکالات عمده ای از جمله: شناسایی ارز بیگانه به عنوان واحد پولی، اسراف و عدم صرفه جویی ارزی دستگاههای اجرایی و عدم تحقق درآمدهای ارزی پیش بینی شده، در نتیجه اختلال در پیشبرد طرحهای عمرانی می باشد، اما دارای ویژگیهایی در جهت حمایت از تولیدات داخلی نیز می باشد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

**پس از ۱۳۶۴ همه ساله دولت علاوه بر بودجه ریالی، یک بودجه ارزی نیز برای دستگاهها تهیه و به تصویب مجلس می رساند.**

بودجه ارزی که به وسیله هیئت دولت پیشنهاد می گردید، تخصیص ارز برای واردات بنگاههای عمومی و خصوصی، بویژه واردات نهاده، بود که به وسیله وزرای دستگاههای اجرایی کشور طراحی می شد و وزارتخانه ها نقش مستقیمی در تخصیص واردات و کنترل مبادله داشتند و در تخصیص سعی می شد تا حمایت موثری از تولیدات داخلی بخشهای مورد تصدی صورت گیرد؛ به همین دلیل کالاهای سرمایه ای و واسطه ای مورد نیاز بخش عمومی و خصوصی، اغلب در نرخهای رسمی وارد می گردیدند. علاوه بر کنترل ارزی، برای ورود تعداد زیادی از کالاها، نیاز به مجوز عدم ساخت از وزارتخانه های مربوطه، محدودیت دیگری در برابر واردات است و این، تسلط وزارتخانه های تولیدی را بر حمایت از

سیاستهای تعدیل اقتصادی در برنامه اول توسعه می‌باشد؛ با این وجود حدود ۷۰ درصد از کل واردات در این سال کنترل شده و از طریق تخصیص ارز رسمی و با مجوز وارد گردیده، بدیهی است که دولت بر توزیع این کالاها نیز نظارت داشته است.

**می‌توان گفت با تمامی معایبی که بودجه ارزی داشته است، در تصحیح جهت‌گیری واردات از کالاهای مصرفی و لوکس به سمت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نقش مهمی ایفا نموده است.**

#### ب - نظام تعرفه‌ای کشور تا قبل از سال ۱۳۷۰

در این قسمت برای تحلیل و بررسی نظام تعرفه‌ای، تمرکز بحث را بر قانون مقررات صادرات و واردات و آئین‌نامه اجرایی آن - که مصوبه سال ۱۳۶۷ می‌باشد - استوار است، زیرا این قوانین با برخی اصلاحات، تا نیمه دوم سال ۱۳۷۲ ملاک امور بازرگانی در کشور بوده‌اند. مالیات بر واردات را می‌توان بر حقوق گمرکی، سود بازرگانی، حق‌الثبت سفارش کالا، مابه‌التفاوت، عوارض گمرکی و سایر تقسیم کرد. قسمت مهم مالیات بر واردات در ایران را حقوق گمرکی و سود بازرگانی تشکیل می‌دهند که نوعی تعرفه بر کالاهای وارداتی محسوب می‌گردند و هر دو هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. وضع حقوق گمرکی، طبق قانون، در صلاحیت قوه مقننه است، اما

تولیدات داخلی بیشتر می‌گردد. بنابراین ساختار واردات، کاملاً هدایت شده و سهم عمده واردات را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دادند. در جدول (۱) سهم واردات به تفکیک نوع کالا آورده شده است. براساس این جدول طی سالهای ۱۳۵۷ - ۶۱ سهم کالاهای مصرفی، در کل واردات به طور متوسط ۲۳/۶۴ درصد بوده، که متوسط این سهم در طی سالهای ۱۳۶۲ - ۷۰ به ۱۶/۵ درصد کاهش یافته است. یکی از عوامل کاهش واردات کالاهای مصرفی و افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، می‌تواند تخصیص ارز باشد، گرچه افزایش کالاهای مصرفی در سالهای اولیه جنگ تحمیلی، جهت افزایش ذخائر کالاهای اساسی و استراتژیک را نباید از نظر دور داشت. با این مقدمه می‌توان گفت با تمامی معایبی که بودجه ارزی داشته است، در تصحیح جهت‌گیری واردات از کالاهای مصرفی و لوکس به سمت واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نقش مهمی ایفا نموده است.

از دیگر ویژگیهای نظام تخصیص ارز، نرخهای متعدد بود که از جمله این نرخها می‌توان به رسمی، رقابتی، ترجیحی، شناور و آزاد اشاره کرد. تا قبل از سال ۱۳۷۰ بخش مهمی از واردات با نرخ رسمی صورت می‌گرفت. در جدول (۲) سهم ارزشهای تخصیصی برای سالهای ۱۳۶۹ - ۷۱ آورده شده است. براساس این جدول در سال ۱۳۶۹، که سال دوم اجرای برنامه اول توسعه می‌باشد، حدود ۷۰ درصد از واردات کشور با نرخ ارز رسمی و تنها حدود ۱۲/۷ درصد از کالاهای با نرخ شناور وارد گردیده‌اند. بنابراین در حالی که آزادسازی تجاری یکی از اصول

سود بازرگانی منوط به تصویب‌نامه هیئت وزیران می‌باشد. به همین دلیل انعطاف‌پذیری سود بازرگانی به لحاظ سهولت تصویب، بیشتر از حقوق گمرکی است. تا نیمه دوم سال ۱۳۷۲ تمامی دریافت‌های دولت از بابت این تعرفه‌ها پرمبتهای نرخ ارز ۷۰ ریالی نسبت به ارزش سیف کالاهای وارداتی تعیین می‌شد. به همین دلیل، نرخهای اسمی سود بازرگانی و حقوق گمرکی بانرخهای مؤثر آن تفاوت چشمگیری داشت. برای مثال در سال ۱۳۶۹ که سود بازرگانی انواع پارچه تا ۹۰۰ درصد تعیین گردید، این تعرفه را با تعرفه پارچه در سایرکشورها نمی‌توان مقایسه کرد، زیرا در حالی که نرخ ارز شناور در این سال حدود ۱۲۰۰ ریال بوده، دریافتی دولت از بابت سود بازرگانی پارچه با نرخ ارز ۷۰ ریال محاسبه گردیده که، بنابراین تعرفه مؤثر تنها حدود ۵/۸ درصد بوده است.

**وضع حقوق گمرکی، طبق قانون، در صلاحیت قوه مقننه است، اما سود بازرگانی منوط به تصویب‌نامه هیئت وزیران می‌باشد.**

گمرکی کالاهای نیمه ساخته یا کالاهای ساخته شده است، به طول مثال، حقوق گمرکی پنبه ۱۰ درصد، نخ پنبه ای ۱۵ درصد و پوشاک ۳۵ درصد می‌باشد.

(۳) - کالاهای مصرفی لوکس در مقایسه با کالاهای اساسی از حقوق گمرکی بالاتری برخوردارند، به عنوان نمونه، حقوق گمرکی چای ۲۰ درصد و حقوق گمرکی قهوه ۶۰ درصد است.

(۴) - کالاهای وارداتی برحسب اینکه سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی باشند به ترتیب از حقوق گمرکی بیشتری برخوردار هستند، به طوری که میانگین ساده حقوق گمرکی این کالاها به ترتیب، ۱۲/۶، ۲۸/۴ و ۳۶/۳ درصد می‌باشد که این امر گویای طراحی نظام تعرفه‌ای براساس نرخ حمایت موثر و تشویق ورود کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در نظام تعرفه‌ای مصوب سال ۱۳۶۷ می‌باشد.

(۵) - اشیاء لوکس و فانتزی، مانند: اسباب بازی، قابهای فلزی عکس و تصویر و آئینه و مجسمه‌های کوچک و اشیاء زینتی داخل ساختمان، دیوار کوبها و زیورآلات، از حداکثر حقوق گمرکی برخوردار گردیده‌اند.<sup>۲</sup>

**کالاهای وارداتی برحسب اینکه سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی باشند به ترتیب از حقوق گمرکی بیشتری برخوردار هستند.**

#### سود بازرگانی

میزان سود بازرگانی در قانون صادرات و واردات

#### ویژگیهای حقوق گمرکی در ایران

(۱) - در آئین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۷، حقوق گمرکی بر واردات کشور از صفر تا ۱۰۰ درصد ارزش سیف کالا تعیین شده است.

(۲) - حقوق گمرکی مواد اولیه، کمتر از حقوق

سال ۱۳۶۷، از صفر تا ۴۴۰ درصد است. و در مورد برخی از کالاها براساس بخشنامه های وزارت بازرگانی از حد ۴۴۰ درصد نیز تجاوز می کند، به طور مثال در آبانماه ۱۳۶۹، سود بازرگانی انواع پارچه تا ۹۰۰ درصد افزایش داده شد و همزمان ورود آن به صورت بدون انتقال ارز اعلام گردید، همچنین سود بازرگانی وضع شده بر انواع منسوجات، حداکثر تا ۳۰۰۰ درصد تعیین شد که این سود بازرگانی بعداً به ۵۰۰ درصد کاهش پیدا کرد. میانگین سود بازرگانی کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی به ترتیب، به ۲۴/۶، ۵۱/۷ و ۱۳۹/۸ درصد بوده است. بنابراین سود بازرگانی نیز براساس نرخ حمایت مؤثر و تشویق ورود کالاهای سرمایه و واسطه ای طراحی گردیده بود.<sup>۳</sup>

**اشیاء لوکس و فانتزی، مانند: اسباب بازی، قابهای فلزی عکس و تصویر و آئینه و مجسمه های کوچک و اشیاء زینتی داخل ساختمان، دیوار کوبها و زیورآلات، از حداکثر حقوق گمرکی برخوردار گردیده اند.**

### حق الثبت سفارش کالا

یکی دیگر از اقلام عوارض متعلقه به کالاهای موضوع واردات، حق الثبت سفارش کالا است، که توسط بانک دریافت می شود. پس از تسلیم تقاضای ثبت سفارش و تنظیم فرم درخواست مزبور، طی مراحل رسیدگی، پیش فاکتور و سایر اسناد و شرایط خرید کالا

در مراحل نهایی مراجعه به بانکهای مجاز، جهت قبول ثبت سفارش، براساس مفاد تبصره (۱۶) قانون متمم بودجه سال ۱۳۶۴، درصدی از پیش فاکتور نسبت به قیمت سیف کالا در گمرک، به عنوان «حق ثبت سفارش» محاسبه و جهت اطلاع گمرک، مراتب وصول، در پشت نسخه اول سیاهه خرید، منعکس و گواهی می شود. حق ثبت سفارش در مجوز یادشده در بدو تصویب ۴ درصد از کل ارزش کالا به اضافه هزینه حمل از مبدأ تا مقصد بوده و از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۶۲ به موجب تبصره های مختلف قوانین بودجه، تغییراتی در میزان حق ثبت سفارش کالا داده شده است. در تغییر مربوط به تبصره (۸۴) قانون بودجه سال ۱۳۶۲ کل کشور، از اول سال ۱۳۶۲ به میزان ۲ درصد از مبلغ مورد سفارش، جهت واردات کالا به نام «حق ثبت سفارش» تعیین و بانک مرکزی مسئول دریافت و منظور کردن آن به حساب درآمد عمومی کشور گردیده است.

میزان حق ثبت سفارش در تبصره بودجه سالانه، مشخص می گردد و ممکن است در هر سال تغییراتی احتمالی در جهت کاهش یا افزایش آن اعمال گردد. در قانون بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور، حق ثبت سفارش موضوع ماده (۵) قانون وصول مالیات مقطوع از بعضی کالاها و خدمات، در سال ۱۳۶۸، در مورد کالاهای اساسی ۵ درصد و در مورد سایر خدمات ۱۵ درصد، تعیین شده بود.<sup>۴</sup>

در جداول (۳) و (۴) متوسط حقوق گمرکی و سود بازرگانی به تفکیک بخش اقتصادی و نوع کالا و در جدول (۵) تعداد نرخهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی در محدوده نرخهای ۰ - ۵۰۰ (درصد)

ذرت و علوفه، روغن نباتی، انواع ورق، الیاف نخ، پارچه، آهن آلات ساختمانی، مواد غذایی، فانتزی، چای و کیسه کنفی، پی وی سی، شیرخشک و ... بوده که جمع ارقام مابه‌التفاوت دریافتی در این سال به ۲۰۵/۸ میلیارد ریال بالغ گردیده است.<sup>۵</sup>

### ج - محدودیتهای غیرتعرفه‌ای

بخش مهمی از محدودیتهای تجاری ایران را محدودیتهای غیرتعرفه‌ای تشکیل می‌دهد. عمده‌ترین انگیزه وضع یک چنین محدودیتهایی، حمایت از تولیدات داخلی است، گرچه این محدودیتها در متوازن نمودن تراز تجاری نیز نقش مهمی دارند. درقانون صادرات و واردات سال ۱۳۶۷ کالاهای وارداتی به چهار گروه تقسیم شده اند که عبارت اند از: کالاهای مجاز، مجاز مشروط، غیرمجاز و ممنوع. بجز تعداد اندکی از کالاها که از نظر امنیتی و شرعی ورود آنها ممنوع اعلام شده، مابقی کالاها در سه طبقه‌بندی دیگر جای می‌گرفتند. قبل از سال ۱۳۷۰ از تعداد ۳۷۷۳ تعرفه کالا، ورود حدود ۱۲۱۷ کالا غیرمجاز و ۲۳۷۹ کالا مجاز مشروط و تنها ورود ۱۷۷ تعرفه کالا مجاز بود. بنابراین قسمت عمده‌ای از اقلام وارداتی تحت محدودیتهای غیرتعرفه‌ای قرار داشتند. کالاهای مجاز مشروط به مجوز ورود از یک یا تعدادی از وزارتخانه‌های مسئول، نیاز داشتند. از میان وزارتخانه‌ها، وزارت بازرگانی بیشتر برای تعادل عرضه و تقاضای کالاها، بویژه کالاهای اساسی و مصرفی، اقدام به مجوز ورود می‌کرد و از دید حمایت از مصرف‌کننده اجازه ورود کالاهای مورد نیاز جامعه

در واقع علاوه بر حقوق و عوارض متعلقه بر کالاهای موضوع واردات قطعی، چنانچه هنوز قیمت تمام شده کالای وارداتی با نوع مشابه داخلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، آن گاه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، اقدام به تعیین مابه‌التفاوت می‌نماید

### مابه‌التفاوت

طبق ماده (۳۴) قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۷، در مورد کالاهایی که تولید داخلی آنها به مقدار نیاز کشور نمی‌باشد و به ناچار کسری آن وارد می‌گردد، باید مجموع دریافتی دولت از کالاهای وارداتی مشابه به نحوی تعیین شود که حمایت موثری از تولیدات داخلی به عمل آید، مابه‌التفاوت کالاهای اساسی به همین منظور دریافت می‌شود. در واقع علاوه بر حقوق و عوارض متعلقه بر کالاهای موضوع واردات قطعی، چنانچه هنوز قیمت تمام شده کالای وارداتی با نوع مشابه داخلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، آن گاه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، اقدام به تعیین مابه‌التفاوت می‌نماید و ترخیص کالای وارداتی موقوف به پرداخت مابه‌التفاوت می‌گردد. در سال ۱۳۶۸ عمده‌ترین اقلام مشمول مابه‌التفاوت دریافتی عبارت از: برنج، جو و

**از میان وزارتخانه‌ها، وزارت بازرگانی بیشتر برای تعادل عرضه و تقاضای کالاها، بویژه کالاهای اساسی و مصرفی، اقدام به مجوز ورود می‌کرد**

را می‌داد. اما سایر وزارتخانه‌های تولیدی از دید حمایت از تولیدات داخلی اقدام به مجوز ورود می‌نمودند. بنابراین کالاهای مجاز مشروط به نوعی، برای ورود کالاها محدودیت سهمیه‌ای می‌باشند، به همین دلیل اغلب کالاهای وارداتی، کالاهای سرمایه‌ای و نهاده‌های واسطه‌ای مورد نیاز تولیدات داخلی می‌باشند با توجه به نحوه تخصیص ارز و ترکیب واردات، می‌توان گفت: در این دوره، واردات کاملاً کنترل شده، و بنا به تصمیم و سیاست‌گذارهای ارزی و

وارداتی وزارتخانه‌های مسئول انجام می‌گرفته است. براساس جدول (۶)، تا قبل از اصلاح تجاری در ایران، از کل تعداد کالاهای وارداتی، حدود ۳۲ درصد غیرمجاز، ۶۳ درصد مجاز مشروط و تنها ورود ۴/۷ درصد از کالاها مجاز بوده است در میان بخشهای اقتصادی ورود ۵۶ درصد از کالاهای کشاورزی، ۳۳ درصد از کالاهای معدنی و ۳۱ درصد از تولیدات کارخانه‌ای غیرمجاز و تنها ورود ۳ درصد از کالاهای کشاورزی و ۵ درصد از تولیدات کارخانه‌ای مجاز بوده است. ورود ۴۱ درصد از کالاهای کشاورزی و ۶۷ درصد از کالاهای معدنی و ۶۴ درصد از تولیدات کارخانه‌ای نیاز به مجوز و به عبارتی مجاز مشروط بودند، بنابراین در این دوره بیشترین محدودیت مقداری را به ترتیب بخشهای کشاورزی، معدن و صنعت برخوردار بوده اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول (۱) - سهم هریک از کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی در کل واردات کشور

طی سالهای ۱۳۵۷ - ۷۱ واحد: درصد

کالاهای مصرفی	کالاهای سرمایه‌ای	کالاهای واسطه‌ای	سال
۱۹/۲	۲۸/۲	۵۲/۲	۱۳۵۷
۲۶/۴	۱۸/۹	۵۴/۷	۱۳۵۸
۲۶/۸	۱۶/۸	۵۶/۴	۱۳۵۹
۲۳/۲	۱۵/۹	۶۰/۹	۱۳۶۰
۲۲/۶	۱۹/۵	۵۷/۹	۱۳۶۱
۱۶/۰۸	۲۴/۰۴	۵۹/۸	۱۳۶۲
۱۷/۱	۲۸/۶	۶۱/۵	۱۳۶۳
۱۳/۸	۲۱/۲	۶۴/۹	۱۳۶۴
۱۸/۱	۲۳/۵	۵۸/۴	۱۳۶۵
۱۷/۷	۲۳/۵	۵۸/۶	۱۳۶۶
۱۸	۲۲/۸	۵۹	۱۳۶۷
۱۸/۳	۲۲/۷	۵۸	۱۳۶۸
۱۳	۲۳	۶۳	۱۳۶۹
...	...	...	۱۳۷۰
۱۳	۲۷	۶۰	۱۳۷۱

مأخذ: محاسبه براساس آمار:

گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آمار بازرگانی خارجی، سالهای مختلف

جدول (۲) - نحوه تخصیص ارز به تفکیک رسمی، رقابتی، ترجیحی و شناور

طی سالهای ۱۳۶۹ - ۷۱ واحد: درصد

شناور	ترجیحی	رقابتی	اسمی	سال
۱۲/۷	۱۲	۷/۲	۶۹/۱	۱۳۶۹
۱۳/۴	۰	۲۰/۶	۶۶	۱۳۷۰
۲۰	۰	۳۰	۵۰	۱۳۷۱

مأخذ:

The World Bank. *Islamic Republic of Iran: An Agenda For Trade Reform*, August 4, 1992. p.15.

جدول (۳) - متوسط حقوق گمرکی، سود بازرگانی و حق الثبت سفارش به تفکیک بخشهای اقتصادی و نوع کالا  
واحد: درصد

وزنی (موزون)	غیروزنی (اسمی)	
۴۰/۲	۱۰۱/۸	کل اقتصاد
۹/۷	۸۱/۳	کشاورزی
۴۲/۳	۳۷/۲	معادن
۴۴/۴	۱۰۴/۱	تولیدات کارخانه ای
۶۴/۵	۱۸۸/۸	کالاهای مصرفی
۳۶/۴	۵۹/۸	کالاهای واسطه ای
۴۱/۶	۴۹/۱	کالاهای سرمایه ای

مأخذ: همان مأخذ جدول (۲).

جدول (۴) - متوسط حقوق گمرکی و سود بازرگانی به تفکیک نوع کالا در قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۷  
واحد: درصد

سود بازرگانی	حقوق گمرکی	تعداد تعرفه	
۲۴/۶	۱۲/۶	۵۳۲	کالاهای سرمایه ای
۵۱/۷	۲۸/۴	۲۳۶۱	کالاهای واسطه ای
۱۳۹/۸	۳۶/۳	۸۴۱	کالاهای مصرفی
۵۵/۸	۱۲/۴	۵۲	سایر
۶۷/۵	۲۷/۷	۳۷۸۶	کل

مأخذ: محاسبه براساس:

وزارت بازرگانی، قانون مقررات صادرات و واردات و آئیننامه اجرایی آن، (مصوب ۱۳۶۷/۱/۱۵)

(تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی مهرماه ۱۳۷۱)

جدول (۵) - تعداد نرخهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی در محدوده نرخهای ۰ - ۵۰۰ درصد  
واحد: درصد

سود بازرگانی	حقوق گمرکی	محدوده نرخها (درصد)
۱۰	۱۱	۰ - ۲۰
۷	۶	۲۱ - ۵۰
۱۲	۶	۵۱ - ۱۰۰
۱۷	۰	۱۰۱ - ۲۰۰
۲۰	۰	۲۰۱ - ۵۰۰
۶۶	۲۳	مجموع

The World Bank, *Islamic Republic of Iran: An Agenda For Trade Reform*,

مأخذ:

August 4, 1992.p.29.

## جدول (۶) پوشش محدودیتهای غیر تعرفه‌ای تا قبل از اصلاح تجاری سال ۱۳۷۰

واحد: تعداد تعرفه کالا

تعداد کل عناوین	تعداد عناوین مجاز	تعداد عناوین مجاز مشروط	تعداد عناوین غیرمجاز	
۳۷۷۴	۱۷۷	۲۳۷۹	۱۲۱۷	کل اقتصاد
۱۹۳	۶	۷۹	۱۰۸	بخش کشاورزی
۶۴	۰	۴۳	۲۱	معادن
۳۵۱۶	۱۷۵	۲۲۵۰	۱۰۸۹	تولیدات کارخانه‌ای

مأخذ: همان مأخذ جدول (۲).



### پی نوشت

- ۱- سیدمحمدحسین عادل، نرخ ارز و اصلاحات اقتصادی، (تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، آبان ماه ۱۳۷۱، ص ۹۷
- ۲- با استفاده از: قانون مقررات صادرات و واردات و آییننامه اجرایی آن، مصوب (۱۳۶۷/۱/۱۵)، وزارت بازرگانی، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه ۱۳۷۱،
- ۳- همان
- ۴- اسفندیار امیدبخش و مسعود طارم‌سری، آشنایی با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)... (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آذرماه ۱۳۷۲)، ص ۱۱۹
- ۵- همان، ص ۱۲۱
- ۶- محاسبه براساس: کتاب قانون مقررات صادرات و واردات مصوب (۱۳۶۷/۱/۱۵)